

# تاجتاج

پژوهش‌های فقهی

دوفصلنامه علمی - پژوهشی

سال پنجم، شماره ۱۰، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

## مبانی فقهی مشروعیت اجمالی مقوله تشریفات ولزوم تنظیم و مدیریت اجرای آن در پرتو بایسته علو و سیادت اسلامی<sup>۱</sup>

مهدی درگاهی<sup>۲</sup>

تاجتاج  
پژوهش‌های فقهی

چکیده

مبانی فقهی مشروعیت آداب و رسومی که در سطح بین‌الملل، برای روابط بین دولت‌ها در نحوه برگزاری مراسم رسمی بین رؤسای کشورها، نمایندگان سیاسی و اعضای هیأت‌های دیپلماتیک و همچنین در کنفرانس‌ها، همایش‌ها و مجامع بین‌المللی و غیر بین‌المللی که میزبان، خارجی‌ها (اعم از دیپلمات، بازرگان، جهانگرد و کارشناس) هستند در قالب تشریفات، اعم از مکاتبات، سفرها، نشست‌ها، ملاقات‌ها و مذاکرات اعمال می‌گردد، در فقه امامیه، مدون و یکپارچه و صریح، چندان هویدا نیست و گاهی یادگیری این آداب و رسوم در روند ارتباطات و عمل به آن، فاقد مستند فقهی دانسته می‌شود! برای آنکه

مبانی فقهی مشروعیت اجمالی مقوله تشریفات

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۹/۸

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۲

۲. استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و استادیار گروه فقه و اصول جامعه المصطفیٰ العالمیه.

Aghigh\_073@yahoo.com

تندروی و کندروی‌ای، که باعث وهن مذهب جعفری شود، صورت نگیرد، این تحقیق عهده‌دار پاسخ این پرسش است که جواز مقوله تشریفات در عرصه تعاملات بین‌المللی مستند به چیست؟ و معیار تشخیص عدم جواز آن کدام است؟ تحلیل برآمده از درک (حکم) عقل و سیره عقلا و برخی ادله نقلی حاکی از مشروعیت اجمالی مقوله تشریفات در عرصه ارتباطات بین‌المللی است. البته این به معنای چشم‌پوشی و یا نادیده انگاشتن رسوم و سنت‌های ملی-مذهبی دولت اسلامی نیست و مشروعیت مقوله تشریفات در پرتوی بایسته‌علو و سیادت اسلامی، در سه محور، تحلیل و تبیین می‌شود. طبیعتاً هرگونه بی‌توجهی و اهمال به آن در اجرای تشریفات، موجب خروج از مشروعیت فقهی خواهد شد. این تحقیق با هدف شناخت مبانی جواز مقوله تشریفات و ترسیم بایسته‌علو و سیادت اسلامی به عنوان بایسته‌ای فوقانی در تنظیم و مدیریت تشریفات انجام شده، و نیل به این مقصد در سایه توصیف و تحلیل گزاره‌های فقهی، با گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای میسر است که نتیجه آن، تبیین مبانی جواز مقوله تشریفات در پرتو عنایت به بایسته‌علو و سیادت اسلامی، در سه محور است.

**واژگان کلیدی:** تشریفات، روابط بین‌الملل، علو و سیادت اسلامی، فقه امامیه.

## مقدمه

امروزه ارتباطات به عنوان دانشی نوپدید، مورد توجه قرار گرفته و هر کسی که با مهارت‌های آن بیشتر آشنا باشد و آن را به کار گیرد، توفیقات افزون‌تری از زندگی اجتماعی به دست می‌آورد. این مهارت‌ها که می‌تواند کلامی و یا غیرکلامی باشد، از یک ارتباط ساده تا ارتباطی کاملاً جدی را در بر می‌گیرد. چنانچه ارتباط بین ملت‌ها در سطح بین‌الملل، مد نظر باشد، این ارتباطات در قالب آداب و رسومی صورت می‌پذیرد که در عرف بین‌الملل بین نهادها، سازمان‌ها و دولت‌ها در کنفرانس‌ها، همایش‌ها و مجامع بین‌المللی در قالب سفرها، نشست‌ها، ملاقات‌ها و مذاکرات، معمول و رایج است و بی‌اعتنایی به آن، در وهله اول، توجیه و تفسیر ندارد و حسب تجربه برخی صاحب‌نظران عرصه تشریفات، به صورت ساده و روان در دسترس همگان قرار گرفته است.<sup>۱</sup> از همین رو، بر کسانی که در عرصه

۱. ر.ک: بیدارمغز، راهبرد تشریفات در مدیریت ارتباطات، صص ۹۱-۲۴۵؛ ایله‌ای و صمدی راد، اصول و آداب تشریفات، صص ۶۶-۷۸.

تعاملات بین‌المللی فعالیت دارند، لازم است نسبت به این قواعد اجتماعی، شناخت کافی داشته و در یادگیری و بکارگیری آن، سهل‌انگاری نکنند؛ البته ضرورت مذکور به معنای چشم‌پوشی و یا نادیده انگاشتن رسوم و سنت‌های ملی-مذهبی جوامع نیست؛ چه اینکه عرف بین‌الملل، حدود رعایت آن‌را در صلاحیت نهاد، سازمان یا دولت‌ها در عرصه بین‌الملل می‌داند؛ تا علاوه بر توجه به عرف رایج و اصول ناشی از قرارداد اجتماعی در عرصه بین‌المللی، بر اساس آداب و رسوم و سنن ملی-مذهبی، پروتکل‌های تشریفاتی خود را وضع کنند. در این بین، گزاره‌های دینی-مذهبی نقش ویژه‌ای ایفا می‌کنند؛ به طوری که عمل به آداب و رسوم رایج در عرصه تعاملات و ارتباطات بین‌المللی بین نهادها، سازمان‌ها و دولت‌ها، توسط مسلمانان، در پرتوی علو و سیادت اسلامی، در سه محوری که در ادامه خواهد آمد، تنظیم و در اجرا مدیریت می‌شود.

اهمیت این موضوع از آن جهت است که گاهی ضرورت یادگیری آداب تشریفاتی در فرایند تعاملات بین‌المللی و عمل به پروتکل‌های مرسوم تشریفاتی، فاقد وجاهت شرعی آن می‌شود. این تحقیق در ابتدا عهده‌دار تبیین و تحلیل مبانی فقهی مشروعیت اجمالی عمل به کلیت آداب و رسومی است که در عرصه روابط بین‌الملل دولت اسلامی و نهادها و سازمان‌های وابسته به آن انجام می‌گیرد. البته گستره مشروعیت اجمالی اثبات شده، با ترسیم سنجه و معیار و میزانی برای تشخیص نامشروع‌های فقهی در مقوله تشریفات، تحت عنوان بایسته علو و سیادت اسلامی (در سه محور)، بدون ورود به مسائل جزئی، تبیین و بر برخی مصادیق تطبیق می‌شود؛ تا اثبات لزوم و ضرورت عمل به تشریفات در پرتوی عنایت به این بایسته، مد نظر مکلفان عرصه تشریفات قرار گیرد.

در ادامه، پس از اشاره به پیشینه و تبیین مفهوم تشریفات، مبانی عقلی، عقلانی و نقلی مشروعیت کلیت تشریفات در روند تعاملات بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ و چون نگاه شارع در مقوله عمل به کلیت تشریفات، تأسیسی نیست، طرح ادله نقلی بعد از ادله عقلی و عقلایی ارشاد به همان درک عقل و امضای سیره و روش عقلایی در عرصه تعاملات است. در آخر، بایسته علو و سیادت اسلامی به عنوان سنجه تشخیص محدوده مشروعیت مذکور، ترسیم و تبیین می‌شود.

## پیشینه

میانی فقهی مشروعیت تشریفات در فقه، به صورت مدون و مستقل مورد تحقیق قرار نگرفته است. اصولاً از آنجا که شیعیان، سالیان بسیاری از رسیدن به حکومت و تشکیل نظام سیاسی اسلام مبتنی بر فقه جعفری محروم بوده‌اند، مباحث مربوط به فقه تشریفات در عرصه ارتباطات بین‌المللی کمتر مورد توجه فقها قرار گرفته است.

در میان تحقیقات نوشته شده، هرچند آداب و تشریفات بین‌الملل توسط نویسندگانی چون بیدار مغز، ذوالعین، یحیایی و صمدی‌پور و دیگران، با عناوین «راهِبرد تشریفات در مدیریت ارتباطات»، «آداب و تشریفات دیپلماتیک»، «اصول و آداب تشریفات» و... مورد بحث و بررسی قرار گرفته و حتی در حوزه «فقه سیاسی» و «اصول حاکم بر روابط بین‌المللی نظام اسلامی» تحقیقات فاخری تدوین گشته است، اما این تحقیقات خالی از تبیین مستندات فقهی عمل به تشریفات در عرصه تعاملات بین‌الملل و ترسیم بایسته حاکم بر تنظیم و مدیریت اجرای آن است.

## مفهوم شناسی

فارغ از بیان معنای لغوی در لغتنامه‌های فارسی<sup>۱</sup>، استعمال واژه تشریفات در عرف مردم، نشان می‌دهد که «تشریفات»، به «آداب و رسوم، در مراسم‌های خاص و مهم» اطلاق می‌شود که اساس آن بر ادب بوده و به تعبیر برخی نویسندگان، در هر اجتماعی و در هر درجه‌ای از تمدن، تشریفات به معنای مذکور وجود داشته و دارد.<sup>۲</sup> واژگان تشریفات قبیله‌ای، تشریفات خانوادگی، تشریفات مذهبی، تشریفات ملی، تشریفات رسمی و بین‌المللی، جملگی به این معنا است. تشریفات به معنای مذکور را می‌توان تشریفات به معنای عام دانست که به کلیه آداب و سنن، قواعد و توافقات و تفاهم‌های مربوط به کلیه امور اجتماعی اطلاق می‌شود. در مقابل این کاربرد، تشریفات، معنای خاص‌تری نیز دارد و در دو حیطه کاربرد پیدا می‌کند؛ اول: تشریفات دیپلماتیک که جزئی از دیپلماسی و معادل واژه

ماجرات  
پژوهش‌های فقهی

جلد ۴، شماره ۱۰، پیاپی ۵۴، زمستان ۱۴۰۰

۱. ر.ک: دهخدا، لغت‌نامه، ج ۱۱، ص ۷۰۸؛ معین، فرهنگ فارس، ج ۱، ص ۱۰۸۶.

۲. ذوالعین، آداب و تشریفات دیپلماتیک، ص ۱۵.

«Protocol» است؛ و گاهی با همین تعبیر (تشریفات دیپلماتیک) و گاه بدون اتصاف به واژه دیپلماتیک (تشریفات) استعمال می‌شود، و به «مجموعه مقرراتی که در روابط بین رؤسای کشورها و نمایندگان دولت‌ها و دیپلمات‌ها، و بین وزارت خارجه و نمایندگی‌های خارجی، و همچنین در مجامع و کنفرانس‌های بین‌المللی معمول است»<sup>۱</sup> اطلاق می‌شود. در کاربرد دوم با کمی توسعه نسبت به معنای پیشین، به «نحوه و قالب مناسبات و مراودات مقامات، کارمندان و کارکنان سازمان‌ها و نهادهایی که میزبان خارجی‌ها هستند، یا به سفر خارج می‌روند و در یک کلام، در داخل و خارج کشور با بیگانگان ارتباط رسمی دارند و شامل حسن سلوک و نزاکت و رعایت ترتیبات، قوانین، مقررات و کنوانسیون‌های داخلی و بین‌المللی است»<sup>۲</sup>، اطلاق می‌شود. بنابر این، استعمال دوم عام‌تر از کاربرد اول بوده و شامل روابط غیر دیپلماتیک یک بازرگان، جهانگرد و کارشناس خارجی نیز می‌شود.

در این تحقیق، آنچه از تشریفات مد نظر است، کاربرد اخیر می‌باشد. تشریفات، به لحاظ نوع افراد مورد تشریفات، اعم از حقیقی و حقوقی، به دیپلماتیک و غیر دیپلماتیک تقسیم می‌شود. همان‌طور که بر اساس فرایند مدیریتی، به «تشریفات قبل از مراسم»، «تشریفات حین اجرای مراسم» و «تشریفات بعد از مراسم» تقسیم می‌شود و بر اساس اعمال مکلف در ارتباط با خارجی‌ها، به گفتاری و غیرگفتاری، و غیرگفتاری به نوشتاری و غیرنوشتاری تقسیم می‌شود. در توضیح بیشتر در تقسیم اخیر، مراد از تشریفات غیرگفتاری و غیرنوشتاری، آن دسته از اعمال و رفتار مکلف است که نه گفتاری است و نه نوشتاری؛ «ادب رفتاری و حسن خلق»، «آراستگی ظاهری»، «نوع پوشش و لباس»، «حریم‌شناسی» و «زبان بدن» در این نوع از تشریفات مطرح است. به عنوان مثال «شدت و ضعف رنگ صورت»، «تند و کند نفس کشیدن»، «نگاه مستقیم به چهره شخص مقابل و طول نگاه»، «اخم و لبخند زدن»، «نحوه دست دادن»، «نحوه راه رفتن»، «طرز ایستادن»، «نوع نشستن» و... از عناوینی است که در تشریفات مربوط به «زبان بدن» مطرح شده است.<sup>۳</sup> از ویژگی‌های مشترک در تمام انواع

## مباحث

مبانی فقهی مشروعیت اعمال معموله تشریفات

۱. همان، ص ۱۶.

۲. بیدارمغز، تشریفات؛ راهبرد موفقیت، ص ۴۳.

۳. ر.ک: بیدارمغز، ارتباطات غیرکلامی، ص ۴۰ به بعد.

مذکور، آن است که آداب تشریفاتی همان‌طور که ساخته و پرداخته ذوق مردمان و رسوم رایج میان ملت‌ها است، رسم و اجباری است که باید در اعمال و رفتار در خلال روابط بین‌المللی، بین دولت‌ها، نهادها و ارگان‌ها نسبت به میهمان خارجی رعایت گردد. تا جایی که هر گونه اخلال به قواعد رسمی و الزامی آن، موجب ضرر رساندن به ارتباطات و علاقات خواهد بود. دوم آنکه، آداب تشریفاتی به جهت تعامل هرچه بهتر در ارتباطات بین‌المللی در گذر زمان شکل گرفته و محصور است؛ و چون برگرفته از آداب و رسوم مطرح نزد ملت‌ها است، اختلاف جوهری و اساسی با عرف آن ملت نخواهد داشت. چنانچه دولت و ملتی، برخی از آداب و رسوم مطرح در دولت و ملت میزبان را با عقاید ملی و مذهبی خود در تنافی ببیند، باید بر حسب اقتضا، از طریق مذاکره و مجاری دیپلماتیک، قبلاً در مورد آن توافق به عمل آورد، تا عدم رعایت آن موجب رنجش طرفین نشود. سوم: تجاهل افراد و نهادها در عرصه روابط بین‌الملل نسبت به برخی قواعد تشریفاتی، باعث می‌شود تا نهاد و دولت متضرر با برگشت همان عمل به طرف مقابل، از خود دفاع کند. این برگرداندن عمل، نوعی ابراز مخالفت است که در راستای اقدام متقابل و معامله به مثل صورت می‌گیرد.<sup>۱</sup>

### مبنای عقلی جواز کلیت تشریفات

تبيين مشروعیت کلیت تشریفات، به چند وجه قابل توضیح و تبیین است؛ هرچند که وجوه دوم و سوم، عبارت اخرای همان وجه اول است. اهمیت این موضوع از آن جهت است که در منظر کسانی که درک حسن و قبح توسط عقل را انکار نکرده و تلازم آن با حکم شرعی را می‌پذیرند<sup>۲</sup>، اثبات عقلانی بودن حکم، می‌تواند اثبات‌کننده وجه شرعی حکم باشد. وجه اول: انسان، موجودی اجتماعی است و احترام به انسان‌ها در تعاملات، کاری شایسته و در منظر عقل نیکو است (کبری). در عرصه بین‌الملل، یکی از راه‌های گرامی‌داشت و احترام به یکدیگر، توجه به آداب و رسوم، در قالب عنایت به مقوله تشریفات و قواعد مربوط به آن است (صغری). پس فی‌الجمله، در تعاملات بین‌المللی، توجه به

ما اجتهاد  
پژوهش‌های فقهی

سال پنجم، شماره ۱۰، پائیز و زمستان ۱۴۰۰

۱. ر.ک: خلیل حسین، المراسم و التشریفات الدبلوماسية وقواعد اللیاقه و المعامله، صص ۲۱-۲۴.

۲. ر.ک: خوبی، أجدود التقريرات، ج ۲، صص ۳۶-۴۱.

تشریفات، در منظر عقل شایسته است (نتیجه). این همان شکل اول قیاس است. این درک عقل، در کنار قاعده ملازمه میان حکم عقل و شرع، نشان از مشروعیت عنایت به مقوله تشریفات در عرصه تعاملات بین الملل دارد. البته این حکم تا جایی است که صغرای قیاس اول، مخدوش نشود. به عبارت دیگر، احترام به دیگران، در قالب رعایت آداب مرسوم در پروتکل های تشریفاتی، تاجایی است که مورد ردع شارع قرار نگیرد. پس اگر در مواردی، با توجه به عمومات و اطلاعات فوقانی، پاره ای از آداب تشریفات، مورد رضایت شارع مقدس نباشد، صغرای قیاس مخدوش و نتیجه معکوس است.

وجه دوم: انعکاس فضائل درونی در روابط اجتماعی به نحوی که کردار انسان خصوصیتی پیدا کند، و دیگران را به تمایل و ستودن وادارد، همیشه پسندیده و نیکو است (کبری). از آنجا که بخشی از تشریفات بین الملل، ناظر به همین انعکاس فضائل و کردار خوب و صفات نیک انسان ها است (صغری)، پس آداب تشریفاتی که چنین باشد، همیشه پسندیده و نیکو است (نتیجه). این نتیجه در کنار قاعده ملازمه، مشروعیت عنایت به تشریفات در عرصه تعاملات بین المللی را ثابت می کند.

البته از آنجا که مصادیق منعکس کننده رفتار نیک، در شرایط و موقعیت های زمانی و مکانی، در تحولات اجتماعی و گوناگونی فرهنگ ها و اصناف و جنسیت ها، مختلف و دستخوش تغییر است، امروزه برخی اعمال و کردارها در تشریفات بین الملل، بین حکومت ها، نهادها و سازمان های وابسته، منضبط گردیده تا همگان بر اساس آن، یکسان عمل کنند. در مواردی که مصادیق انعکاس دهنده صفات خوب، متفاوت باشد، باید با آگاهی بخشی به طرف مقابل، مصداق رفتار و کردار پسندیده، بین طرفین توجیه و تبیین گردد.

وجه سوم: عقل و فطرت سلیم، مراعات مصالح عمومی نظام عام<sup>۱</sup> یا کلان اجتماعی را لازم می داند. امروزه حفظ مصالح عمومی در گروی تعامل با جامعه بین المللی است و

۱. مراد از نظام، ساختار عامی است که انسان ها با حفظ آن ساختار و تطبیق حرکات خود با آن، به سعادت می رسند. مضاف الیه نظام، «نوع انسانی» است (نظام نوع انسانی)، نه «اسلامی» یا «جامعه اسلامی» و امثال آن. به عبارت دیگر، مناط و ملاک در ضرورت حفظ نظام، مطابقت آن با «مصلحت عمومی جامعه» است و ربطی به عسر، حرج و اضطراب ندارد. ر.ک: علی دوست، فقه و مصلحت، صص ۱۲۵-۱۲۷.

تشریفات، جزء جدایی‌ناپذیر این ارتباط است. اهمیت این موضوع تا جایی است که عدم رعایت برخی اصول تشریفات مورد قبول جامعه بین‌الملل، باعث طرد شدن از جامعه بین‌المللی است. گاهی حفظ منافع و مصالح درون سازمانی و ملی، ایجاب می‌کند که شخص، خود را ملزم به تشریفات بداند، تا این امر باعث ایجاد مشکلات در برقراری ارتباط با جامعه بین‌المللی و موجب از دست رفتن فرصت‌هایی نشود که نوعاً به دست آوردن آن، مستلزم کار و پیمودن راه دشوارتری است. البته چنانچه حفظ مصالح عمومی با مصلحت حفظ ارزش‌های اسلامی تراحم کند، حفظ ارزش‌ها اهم مقدم خواهد بود.

البته در تقریر اخیر، تذکر این مطلب ضروری است که عرف تشریفاتی، در مواردی حدود تشریفات و عمل به آداب و رسوم را در صلاحیت دولت‌ها و اشخاص دانسته، به طوری که آنها حسب مصالح ملی و مذهبی خود از پذیرش برخی آداب و قواعد تشریفاتی مرسوم، سر باز می‌زنند، و این امر پیش‌تر با آگاهی بخشی به طرف مقابل، مورد گفتگوی مقامات تشریفاتی قرار می‌گیرد تا موجب کدورت و سوء تفاهم و اقدام متقابل نشود. از باب تطبیق: بنابر آنچه در خداحافظی سفیر در کشور سوئیس مرسوم است، وزیر خارجه سوئیس برای سفیر ایران که مأموریتش پایان یافته بود، مهمانی ناهار ترتیب داد. وی دعوت مذکور را در ماه مبارک رمضان پذیرفت، و به اتفاق چند تن از کارکنان دیپلمات، در مهمانی حاضر شدند. مطابق گزارشات، برخی از ایشان سراسر مدت مهمانی لب به غذا نزدند، که این نوع رفتار برای میزبانان مفهوم نبود و انعکاس بدی در روابط دو طرف گذاشت.<sup>۱</sup> این عمل هرچند مطابق سیادت و شوکت آموزه‌های اسلامی در روزه‌داری است، ولی شایسته بود سفیر ایران، با استناد به معتقدات مذهبی، دعوت به مهمانی را نمی‌پذیرفت.

### مبنای عقلایی جواز کلیت تشریفات

سیره و روش عقلای عالم، منهای عقل و دیانت و در هر ملت و مذهب، بر این بوده و هست، که در قالب آداب و رسوم خاص، مخصوصاً در عرصه بین‌ملت‌ها، با یکدیگر تعامل داشته و دارند. روند اجرای مطلوب در فرایند ارتباطات انسان، در هر درجه‌ای از تمدن، از دیرباز مورد توجه

۱. ر.ک: ذوالعین، آداب و تشریفات دیپلماتیک، ص ۱۶۴.



عقلا است؛ به گونه‌ای که انسان در تعاملات با دیگری، برای خود زندگی و رفتار نمی‌کند، و تمام تلاش خود را صرف آداب پسندیده نموده، تا باعث رنجش افراد، و موجب بروز سوء تفاهم و دست زدن به عمل متقابل نشود. هرچند ممکن است رعایت بعضی از آداب از نگاه او زائد جلوه کند، ولی به جهت حفظ منافع سازمانی، ملی و مذهبی، خود را به رعایت آن ملزم دانسته و بر خواسته‌های فردی و نفع شخصی مقدم می‌دارد. البته گستره این عملکرد عقلایی در تعاملات بین‌المللی تا جایی است که آداب و سنت‌های ملی و مذهبی، تحقیر و نادیده انگاشته نشود.

این سیره و عملکرد عقلایی، با تحول در دیپلماسی بین حکومت‌ها و با تکیه بر اصل دعوت به اسلام، در منظر معصومان علیهم‌السلام قرار داشت. تا جایی که خواهد آمد، مطابق برخی گزاره‌های روایی حاکی از سیره و عملکرد رسول اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیرالمؤمنین علیه‌السلام در ارتباطات بین‌المللی، اصل توجه به مقوله تشریفات، در مواردی که با آموزه‌های اسلامی منافاتی نداشت، مورد امضا قرار گرفته و یا حداقل ردع نشده است. اصولاً، روش و عملکرد معصومین علیهم‌السلام بر رعایت شریعت جد بزرگوارشان و توجه دادن مردم به بدعت‌ها و انحراف‌ها در شریعت ناب اسلامی بوده است؛ به گونه‌ای که اگر گروهی از مسلمانان به رفتار و عملکردی مخالف با شریعت حق اهتمام می‌ورزیدند، و آن عمل مورد ابتلای عموم مسلمانان و در منظر همگان قرار داشت، اهل بیت علیهم‌السلام بر حکم آن مسئله اهتمام ورزیده، مخالفت‌شان با آن حکم را برای اصحاب خود بیان، و بر آن تأکید می‌کردند. بنابر این، اصل توجه به مقوله تشریفات در تعاملات بین‌المللی، مورد پذیرش اسلام است؛ هرچند که خواهد آمد، مطالعه سیره نبوی و علوی در تعامل با دیگران به عنوان حاکم اسلامی و عمال خود، نشان می‌دهد که علی‌رغم پذیرش اصل مقوله تشریفات، در موارد متعددی از انحرافات در آن نیز سخن به میان آمده، و حاکمان را از آن پرهیز داده‌اند.

با گذشت زمان، عملکرد عقلا در تعاملات بین‌المللی، با تحول شگرف در عرصه دیپلماتیک، موجب شکل‌گیری سیره نوینی گردید؛ به طوری که امروزه تشریفات، ضرورت وجودی دیپلماسی تلقی می‌شود و بر تمام فعالیت‌های یک دیپلمات سایه می‌افکند؛ تا جایی که اقوال و اعمال دیپلمات، وقتی قابل استناد و تعهدآور است که با تشریفات دیپلماتیک همراه گردد؛ یعنی کلام و رفتار او در جمعی خصوصی که در آن آداب تشریفات رعایت نشود، جنبه

## مباحث

پژوهش‌های فقهی  
مشرور و عیبت اجمالی مقوله تشریفات

رسمی نداشته و قابل استناد و پیگرد نخواهد بود.<sup>۱</sup> استناد به این روش عقلایی که به ملاقات‌ها، مذاکرات، توافقات، مسافرت‌ها و دید و بازدیدها جنبه رسمی می‌بخشد، باید همراه با عنایت و توجه به بایسته سیادت اسلامی در سه محور، صورت گیرد.

### مبانی نقلی جواز کلیت تشریفات

بحث اصلی در این بخش، معطوف به ارائه ادله نقلی‌ای است که می‌توان از آن برای اثبات مشروعیت کلیت مقوله تشریفات، فارغ از ورود به ابعاد مختلف آن، بهره جست. شایان ذکر است، در تشریفات، رعایت ادب، و حسن خلق و رفتار، حائز اهمیت ویژه‌ای است؛ ولی از آنجا که در منابع، تحقیقات گسترده‌ای پیرامون اخلاق و ادب اسلامی و آداب معاشرت با دیگران در روابط اجتماعی صورت گرفته، و در محافل علمی مطرح گردیده است<sup>۲</sup>، مباحث در تبیین مبانی نقلی در امضای مشروعیت کلیت مقوله تشریفات، فارغ از توجه به آموزه‌های مذکور و منحصر به گزارش‌هایی است که حاکی از سنت و عملکرد معصومان علیهم‌السلام به عنوان رئیس حکومت اسلامی، در تعامل با سایر ملل است. به عبارت دیگر، از آنجا که تنها دو تن از معصومان، یعنی پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیر مؤمنان علیه‌السلام، موفق به تشکیل حکومت اسلامی شدند، تتبع در منابع نقلی-روایی، منحصر به سیره این دو بزرگوار و مخصوصاً پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، با هدف یافتن گزارش‌هایی است که نشان دهد حاکم و حکومت اسلامی و زیر مجموعه‌های آن، در تعامل با ملل دیگر، از برخی قواعد تشریفاتی بهره جستند و مشروعیت اصل آن مفروض بوده است؛ و اگر پاره‌ای از قواعد تشریفاتی که در آن دوران مرسوم بوده را قبول نداشته و ضمن تذکر به آن، از عمل به آن نهی می‌کردند. این نهی، نشان می‌دهد که اصل مقوله تشریفات در آموزه‌های اسلامی امضایی است؛ یعنی نوع نگاه اسلام به اصل تشریفات و آداب و رسوم رایج در ارتباطات بین‌المللی، تأسیسی نیست؛ بلکه سیره و روش عرف با تطبیق بر اصول و کلیات اعتقادی و فقهی، گاه تماماً و گاه با اندک تغییری پذیرفته می‌شود.

بر این اساس، هرچند برخی گزارش‌های یافت شده، فاقد استانداردهای لازم در

ماجرای  
پژوهش‌های فقهی

پژوهش‌های فقهی، شماره ۱۰، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

۱. ر.ک: همان، صص ۱۹ و ۲۰.
۲. برای نمونه ن.ک: مقدس‌نیا، آداب معاشرت؛ حرعاملی، آداب معاشرت از دیدگاه معصومان، ترجمه از فارابی؛ قائمی، اخلاق و معاشرت در اسلام؛ انصاریان، معاشرت.

مباحث فقهی از حیث اعتبار و حجیت استناد به معصومان علیهم السلام جهت کشف تأیید و امضای اصل مقوله تشریفات است، ولی نظر به تعدد موارد، که حاکی از پذیرش مشروعیت اصل تشریفات در عرصه تعاملات بین‌المللی است، شایسته طرح به عنوان شاهد و مؤید برای اثبات اجمالی امضایی بودن مقوله تشریفات در اسلام است. این گزارش‌ها به ترتیب ذیل دسته‌بندی می‌شود:

۱. چگونگی گزینش و عنایت به ویژگی‌های ظاهری و جسمانی، باطنی و عقلانی، و اعتقادی و فرهنگی نماینده برای اعزام به ملل دیگر که در قالب گزارش‌های متعددی از سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است. دقت در مفاد گزارش‌ها نشان از مشروعیت اجمالی تشریفات، در ارسال نماینده به سایر حکومت‌ها، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی دارد. توضیح آنکه: هرچند اسلام معیار اصلی در گزینش کارگزاران حکومتی را در دو مقوله تقوا و خردورزی می‌داند، اما آشنایی با موقعیت جغرافیایی و تاریخی، زبان، آداب، عادات و رسوم آن ملتی که نماینده به آنجا فرستاده می‌شود<sup>۱</sup> و همچنین توجه به آراستگی ظاهری در انتخاب نماینده، از اموری است که تأکید بر آن در سیره پیامبر گزارش شده است. به عنوان نمونه: گزارش شده پیامبر در اعزام نماینده به قیصر روم، فردی را انتخاب نمودند که دارای قیافه جذاب، صورت زیبا و سیرتی نیکو بود<sup>۲</sup>؛ و یا در گزارشی دیگر از ایشان نقل شده که فرموده‌اند: «إِذَا أُبْرِدْتُمْ إِلَى بَرِيْدٍ فَأَجْعَلُوهُ حَسَنَ الْوَجْهِ حَسَنَ الْإِسْمِ؛ هر گاه خواستید پیکی به سوی من بفرستید، آن را خوش سیما و خوش نام قرار دهید»<sup>۳</sup>.

۲. تتبع در منابع تاریخی و روایی، گواه آن است که پذیرش نمایندگان و هیأت‌های خارجی در حکومت نبوی با تصرف در برخی آداب و تشریفات معمول انجام می‌پذیرفت؛ به طوری که برخی از این تشریفات، پیش از پذیرفته شدن هیأت‌های نمایندگی به حضور پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم به آنها آموزش داده می‌شد. حذف تشریفات «به خاک افتادن و سجده

۱. سورة حجرات، آیه ۱۳؛ سورة زمر، آیه ۹.

۲. ر.ک: ابن حجر، الإصابة في تمييز الصحابة، ج ۳، ص ۱۳۶؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۲۵۰؛ ابن سید الناس، عیون الأثر، ج ۲، ص ۳۲۴؛ سبحانی، فروغ ابديت، ص ۷۲۰.

۳. ابن حجر، همان، ج ۲، ص ۳۲۲؛ ابن سید الناس، همان، ج ۲، ص ۳۲۴؛ سبحانی، همان، ص ۶۹۶.

۴. ورام بن أبی فراس، مجموعة ورام، ج ۱، ص ۲۹.

کردن» در برابر رئیس حکومت، یکی از آنها است.<sup>۱</sup> این تصرفات نشان از تأیید اجمالی کلیت تشریفات در ارتباطات بین‌المللی دارد. همان‌طور که مطابق برخی منابع، در حکومت نبوی، استقبال از نمایندگان خارجی<sup>۲</sup>، توسط مأموری ویژه<sup>۳</sup>، آراسته<sup>۴</sup>، نیک‌خلق و گشاده‌رو<sup>۵</sup> با بهره‌گیری از مترجم<sup>۶</sup> و در نظر داشتن مکانی خاص و ویژه استقبال و بازرسی و تفتیش آنان<sup>۷</sup> و در نهایت اعطای هدیه به آنان همراه بوده که جملگی نشان از تأیید و امضای عرف آن دوران در برخی آداب تشریفاتی دارد. به عنوان نمونه: گزارش شده پیامبر اعظم ﷺ به عامل قیصر روم در عمان، که حامل هدیه‌ای همراه با خبر اسلام آوردن فروه بود، پانصد درهم هدیه داد. همچنین قاصد باذان، عامل کسری در یمن را مورد لطف قرار داد و کمربندی به وی اهدا کرد و مردم از این جهت به او «ذو المفخره» (صاحب کمربند) می‌گفتند.<sup>۸</sup> در گزارش دیگری آمده که پیامبر هنگام رحلت خویش وصیت نمودند: «أَجِيزُوا الْوُفُودَ بِنَحْوِ مَا كُنْتُ أُجِيزُهُمْ»؛ به مهمانان همان جوایزی که من می‌دادم بدهید.<sup>۹</sup>

۳. دقت در برخی تعابیر گزارش شده از امیر مؤمنان علیه السلام نیز حاکی از وجود اجمالی برخی آداب تشریفاتی است. توضیح آنکه: امام علی علیه السلام در بیان ویژگی‌های فرستاده (سفیر) و نامه نگاری، به نکاتی اشاره می‌کند که نوع نگاه ایشان در تشریفات مربوط به ارسال سفیر و نامه نگاری را تبیین می‌کند.<sup>۱۰</sup> مطابق مدلول التزامی گزارش مذکور، امام تصریح می‌کند که فرستاده و نماینده باید زیرک و دانا باشد تا بتواند مراد فرستنده را با الفاظ شیرین و سخن رسا بفهماند؛ و نامه نیز رساتر از فرستاده و نماینده می‌تواند مراد را به مخاطب منتقل کند؛ زیرا ممکن است

۱. ر.ک: حمید الله، سلوک بین‌المللی دولت اسلامی، صص ۱۶۹-۱۷۰.

۲. ر.ک: ابوالوفاء، قانون الدبلوماسية الإسلامية، صص ۲۴۹-۲۵۰.

۳. ر.ک: بیهقی، دلائل النبوة، ج ۵، صص ۲۳-۲۴.

۴. ر.ک: کتانی، نظام الحكومة النبوية، ج ۱، ص ۴۴۷.

۵. ر.ک: مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۵۲.

۶. ر.ک: عجاج، الإدارة في عصر الرسول، ص ۱۲۰.

۷. ر.ک: ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۱، صص ۲۰۰ و ۳۰۰ و ۳۱۵ و ۳۱۶ و ۳۲۴ و ۳۳۸ و ۳۴۴؛ همان، ج ۲، ص ۱۶۱.

۸. ر.ک: بیهقی، تاریخ بیهقی، ص ۱۴۱.

۹. ر.ک: فضل بن شاذان، الإيضاح، ص ۳۶۰.

۱۰. نهج البلاغه، حکمت ۲۹۳.

فرستاده، در انتقال مفهوم به مخاطب، مرتکب خطایی گردد که جبران آن مشکل است.<sup>۱</sup> این مهم در قالب بخشنامه نیز خطاب به کارگزاران حکومت علوی ابلاغ گردید.<sup>۲</sup>

**تنظیم و مدیریت اجرای تشریفات در پرتو بایسته‌ علو و سیادت اسلامی**

مستفاد از ادله پیشین، حاکی از تأیید اجمالی کلیت مقوله تشریفات در روابط و تعاملات بین‌المللی است؛ و ترسیم آداب و تشریفات که با فقه جعفری مخالفی نداشته باشد، مستلزم عنایت به بایسته علو و سیادت اسلامی در هر سه محوری است که خواهد آمد. توضیح آنکه: خاتمیت و هماهنگی آموزه‌های اسلام با فطرت انسانی، مستلزم سیادت و تقدم آن بر تمام دستورات ناشی از ادیان و شرایع پیشین و قواعد مجعول بشری است؛ به عبارت دیگر، مطابق نتایج استدلال‌ات عقلی در علم کلام قدیم و جدید، عقل درک می‌کند که اسلام و تعالیم آن بر سایر ادیان الهی و قوانین بشری سیادت دارد و این به خاطر جامعیت، شمول و خاتمیت آن است. علاوه بر اینکه عمومیت آن نسبت به جمیع مسائل دنیوی و اخروی، مختص به زمان، مکان و گروهی از مردمان نیست؛ بلکه نسبت به همگان در تمام زمان‌ها و مکان‌ها جاری است و این به خاطر هماهنگی آموزه‌های اسلامی با فطرت انسانی است؛ بنابر این اسلام ناسخ تمام دستورات مندرج در ادیان و شرایع پیشین و مقدم بر قوانین مجعول بشری، در فرض تنافی با آن است.

این درک عقل، به عنوان یکی از ادله عقلی قاعده «الإسلامُ یعلوُ و لا یُعلى علیهِ» (اسلام برتری پیدا می‌کند و چیزی بر اسلام برتری نکند)، نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. هر چند قاعده مذکور توسط فقها<sup>۳</sup> در فروع و موارد مختلف حقوق اسلامی مورد بهره برداری قرار گرفته است<sup>۴</sup>، ولی در اینجا فارغ از مفاد و محدوده دلالتی آن قاعده، تنها به استناد درک و استدلال عقلی مذکور، مطالب پیگیری می‌شود؛ چون در تحدید و مستند

ما اجتهاد  
پژوهش‌های فقهی

بانی فقهی مشروعیت اجتهاد عقلی مقوله تشریفات

۱. ر.ک: فیض الاسلام، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۱۲۳۱.

۲. ر.ک: صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۳۱۱.

۳. نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۱۳۶.

۴. ر.ک: عمید زنجانی، فقه سیاسی؛ حقوق معاهدات بین‌المللی و دیپلماسی در اسلام، ص ۲۲۹.

ساختن قاعده مذکور، هرچند به ادله و گزاره‌های قرآنی<sup>۱</sup> و روایی<sup>۲</sup> نیز استناد شده، ولی برخی فاقد حجیت و برخی فاقد دلالت تام است. در هر حال، استدلال عقلی مذکور، در کنار قاعده ملازمه حاکی از چندین نتیجه قطعی است که در قالب سه محور و در خلال آن به برخی ادله لفظی در آن راستا، اشاره خواهد شد:

**محور اول:** در فرایند ارتباطات و تعاملات بین‌المللی، مکلفان عرصه تشریفات، باید رفتار خود را به گونه‌ای مدیریت نمایند، که سیادت تعالیم و ارزش‌های اسلامی در تمام شئون آن، بر قواعد مجعول بشری در مقوله تشریفات، محفوظ بماند. «دست ندادن به نامحرم»<sup>۳</sup>، «حاضر نشدن در پذیرایی با وجود شراب در آن»، و «میهمانی‌های مختلط» و امثال آن، نمونه‌هایی از رعایت تعالیم و آموزه‌های اسلامی در فرایند تشریفات بین‌الملل است. شایان ذکر است، رعایت تعالیم و ارزش‌های اسلامی بر برخی مصلحت‌سنجی‌ها در عرصه دیپلماتیک، حاکم است. مکلفان عرصه تشریفات، در راستای صیانت از تعالیم و آموزه‌های اسلامی، باید مانع هرگونه تحقیر و اهانت به احکام و ارزش‌های الهی شوند. به عنوان مثال، هرازگاهی دیده می‌شود که در نشست‌های دیپلماتیک حکومت اسلامی با دیگران، که در کشور اسلامی برگزار می‌شود، نمایندگان طرف مقابل، علی‌رغم اطلاع از آداب و تشریفات حکومت اسلامی در آموزه حجاب زنان به عنوان دولت میزبان، با ظاهر و پوششی نامناسب در محل نشست حاضر می‌شوند. این رفتار با انعکاس گسترده در خبرگزاری‌ها، موجب تحقیر آموزه حجاب است. بنابر این، مکلفان عرصه تشریفات به محض اطلاع یافتن از اقدام مذکور و پیش از آغاز رسمی نشست، باید زمینه رفع این رفتار را فراهم نمایند. از باب تطبیق جزئی بر برخی مسائل تشریفاتی، به دو نمونه واقعی اشاره می‌شود:

**الف:** در جریان مذاکرات چند جانبه، پیرامون تدوین رژیم حقوقی دریای خزر، وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران، پس از آنکه مطلع شد روی میزهای ناهار، مشروب

۱. رک: آل عمران، آیه ۱۱۸؛ سوره نساء، آیات ۱۳۸ و ۱۳۹ و ۱۴۱؛ سوره انفال، آیه ۷۳؛ سوره مائده، آیه ۵۵ و ۶۵؛ سوره فاطر، آیه ۱؛ سوره یونس، آیه ۶۵.

۲. صدوق، کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۳۴، ح ۵۷۱۹؛ نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۱۴۲.

۳. بیشتر بنگرید: درگاهی، «حکم مصافحه با اجنبیه غیرمسلمان در عرصه تشریفات بین‌الملل»، فصلنامه فقه، شماره ۱۰۳، صص ۱۱۵-۱۳۴.

است، در اقدامی مبتنی بر عمل به ارزش‌های دینی و اسلامی در مهمانی ناهار شرکت نکرد. وزیر امور خارجه روسیه در واکنش به رفتار او می‌گوید: «این رسم روسی است و چون میهمانان دیگری هم هستند، نمی‌توانیم مهمانی را کنسل کنیم»؛ و از وزیر خارجه جمهوری اسلامی عذرخواهی می‌کند. طرف ایرانی، در پاسخ به او می‌گوید: «حضور نیافتن ما در جایی که شراب وجود دارد، رسم ایرانی [اسلامی] است و ما هم نمی‌توانیم شرکت کنیم؛ و امیدوارم شما ناراحت نشوید».<sup>۱</sup>

ب: در جریان ورود خانم «بونینو»، وزیر خارجه ایتالیا، به جمهوری اسلامی ایران، او علی‌رغم اطلاع از پروتکل تشریفاتی ایران، می‌گوید: «فقط بدون حجاب حاضر است وارد ایران شود». وقتی گفته می‌شود که باید طبق پروتکل عمل شود، وی پاسخ می‌دهد: «چطور مقامات ایرانی در ضیافت‌های ما به خاطر سرو مشروب حاضر نمی‌شوند؛ پس من هم حاضر نیستم تن به این محدودیت بدهم». اصرارها راه به جایی نمی‌برد و بالاخره مدیر کل تشریفات، با وزیر امور خارجه، تلفنی تماس می‌گیرد و کسب تکلیف می‌کند و خواستار مکالمه وی با وزیر امور خارجه ایتالیا می‌شود. وزیر خارجه، ضمن اینکه حاضر به مکالمه تلفنی نشد، می‌گوید: «بگویند اگر نمی‌خواهید حجاب داشته باشید، نمی‌توانیم در تهران از شما پذیرایی کنیم و همه قرارهای شما لغو می‌شود». پس از آن خانم وزیر، مطابق پروتکل تشریفاتی ایران عمل می‌کند و با حجاب روسری از پلکان هواپیما پایین می‌آید.<sup>۲</sup>

این دو نمونه، نشانه حفاظت از سیادت آموزه‌های اسلامی توسط مکلفان عرصه تشریفات است. اصولاً اگر در حین عمل به تشریفات معمول، اعمال طرف مقابل موجب تحقیر آموزه‌های اسلامی شود، آداب و تشریفات که در قالب احترام و تکریم طرف مقابل، شایسته اعمال در نشست‌های دیگر است، مشروعیت فقهی نخواهد داشت. این نتیجه، در داستان ملاقات فرستادگان بلقیس با سلیمان نبی، توسط آن حضرت مورد تأکید قرار می‌گیرد و شاهدهی برای ممنوعیت تشریفات است که اجرای آن مستلزم نقض ارزش‌های الهی خواهد بود. توضیح آنکه، قبول هدیه میهمان توسط میزبان یکی از آداب تشریفاتی در تعاملات بین‌المللی است.

۱. ر.ک: پایگاه خبری اقتصادسراسر؛ ۴/ اردیبهشت/ ۱۳۹۳: ۷۳۲۴/iran/politics/eghtesadsaramadonline.ir

۲. ر.ک: صراط نیوز، ۲/ آذر/ ۱۳۹۴: ۲۲۸۶۵۹۶/akharinkhabar.ir/politics

وقتی فرستادگان بلقیس مأموریت می‌یابند تا برای بررسی هرچه بیشتر جوانب نامه فرستاده شده به بلقیس، به حضور حضرت سلیمان شرفیاب شوند، هدایایی را به آن حضرت تقدیم می‌کنند و ایشان ضمن تصریح به اینکه آنچه خداوند متعال به او عطا نموده بسی بالاتر از هدایایی است که به او تقدیم گردیده است، به این نکته اشاره دارد که گویا می‌خواهید مرا با مال و اموال (هدایا) وادار کنید، تا از ارزش‌های الهی دست بردارم.<sup>۱</sup>

البته متذکر می‌شویم که حفظ مصالح حکومت اسلامی از عناوین ثانویه‌ای است که با ایجاد حکم ثانوی به نقض برخی احکام اولیه اسلامی در حیطة تحقق همان عنوان ثانوی، مشروعیت می‌بخشد؛ ولی تشخیص این مصالح باید بر پایه اصول و ضوابط مشخص، به منزله چارچوب نظری و خط‌مشی استوار باشد تا با ضابطه‌مندی سنجه‌های تشخیص مصالح نظام، از اقدامات خودسرانه احتمالی در عرصه تشریفات، جلوگیری شده و به بهانه مصلحت، زمینه‌ای برای تعطیل احکام اسلام ایجاد نشود.

بنابر یافته‌های برخی نویسندگان، متولیان امر تشخیص مصلحت حکومت اسلامی، باید با عنایت به اصولی چون «لزوم رعایت عدل و انصاف و خیرخواهی مردم»، «لزوم تقدیم مصلحت اهم بر مهم»، «لزوم بهره‌گیری از اطلاعات و تجارب» و «لزوم آینده‌نگری و توجه به مقتضیات زمان و مکان»، مصلحت نظام اسلامی را در عرصه‌های مختلف، کشف کنند.<sup>۲</sup> حال اگر عمل به مصالح کشف شده، مستلزم نقض، یا تعطیل برخی آموزه‌های الزامی اسلامی باشد، در فقه اسلامی حکم ثانوی، در پرتوی عنوان ثانوی مصلحت، به اعمال مطابق آن مصلحت، مشروعیت می‌بخشد. بنابر این در عرصه تشریفات، چنانچه مطابق آن اصول و توسط مراجع ذیصلاح، مصالح حکومت اسلامی در قالب نشست و مذاکره دیپلماتیک، مثلاً، مستلزم تعطیل یا نقض برخی آموزه‌های اسلامی بود، عمل مذکور توسط مکلفان عرصه تشریفات، مشروع است و سیادت آموزه‌های اسلامی در قالب عمل به حکم ثانوی محفوظ خواهد بود.

۱. ر.ک: سوره نمل، آیه ۳۵ و ۳۶.

۲. ملک افضل، «سنجه‌های تشخیص مصلحت نظام از منظر فقه سیاسی اسلام»، مجله مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق، شماره ۳۳، صص ۵-۲۵.



محور دوم: سیادت و تقدم تعالیم، آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی بر دیگر ادیان و شرایع الهی و قوانین بشری، مستلزم شوکت و علوی است که مسلمانان از آن جهت که پیروی اسلام هستند، از دیگر انسان‌ها، اعم از پیروان ادیان توحیدی و غیر آن، برتر و شرافتمندترند. البته این برتری، نه به معنای نژادپرستی است؛ بلکه عزت، شرافت و سیادت، متعلق به آن عقیده و طرز فکری است که شخص به آن گرویده است و هر فرد و اجتماع و گروه و نژادی از هر رنگ و سرزمین، می‌تواند این عزت و سیادت را با پذیرش اسلام، به دست آورد. ناگفته پیداست که شرافت و برتری مسلمانان در پرتوی تطبیق ایدئولوژی و دستورات اسلام بر عملکرد فرد محقق خواهد شد؛ یعنی تا مسلمانان خود را با نظام حقوقی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی، تربیتی و اخلاقی اسلام هماهنگ نکنند، و اسلام را بر جمیع شئون رفتاری خود جاری نمایند، شرافت، عزت و شوکت اسلامی آنان احراز نمی‌شود. پس عقل، با توجه به مقاصد کلان شریعت، ضرورت و بایستگی این مطلب را درک می‌کند که در تمام اموری که بین مسلمانان و غیرمسلمانان واقع می‌شود، غیرمسلمان نمی‌تواند بر مسلمان علو و سلطه داشته باشد. بنابر این، نه تنها در تدوین قوانین و مقررات و انعقاد تفاهم نامه‌های طرفینی در مقوله تشریفات، باید به گونه‌ای عمل کرد که مستلزم علو و سیادت غیرمسلمان بر مسلمان نباشد، بلکه در اجرای قوانین و آداب عرفی در روابط اجتماعی، مخصوصاً در روابط دیپلماتیک، اگر رفتار و اعمال مکلفان در عمل به آداب و رسوم رایج، موجب علو و شوکت غیرمسلمان بر مسلمان گردد، تشریفات مذکور فاقد مشروعیت فقهی است.

البته بنابر برخی ادله لفظی، می‌توان محدوده استدلال را وسیع‌تر تقریب نمود. مطابق آیه شریفه ﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾، عزت برای خدا، پیامبرش و مؤمنان دانسته شده، و این بدان معناست که عزت و سربلندی مؤمنان به جهت پیروی از دستورات پیامبر، و عزت و سربلندی او به علت رسالتی است که از جانب خداوند دریافت کرده است؛ وقتی خداوند سبحان بر اساس دلالت مطابقی آیه، از اختصاص عزت و شوکت به خود، پیامبر و مؤمنان خبر می‌دهد و بنابر مفهوم حصر، از دیگران نفی می‌کند. به حکم عقل، گویی مؤمنان را به

۱. سورة منافقون، آیه ۸.

خاطر انتساب به خود، صاحب عزت و شوکتی می‌داند که باید در همه حال محفوظ بماند.<sup>۱</sup> هرچند برخی بر این باورند که این علو و عزت، تنها عزت و علو معنوی و تکوینی است؛<sup>۲</sup> اما دقت در اطلاق کلام معصومان علیهم‌السلام در شرح و توضیح آیه مذکور در گزارش‌های روایی<sup>۳</sup>، نشان می‌دهد که عزت و علو دنیوی مؤمن نیز مطرح است. مطابق موثق سماعه<sup>۴</sup>، امام صادق علیه‌السلام تصریح می‌کند که امور مؤمن به خود او واگذار شده، و این بدان معنا است که حق تصمیم‌گیری و اختیار کارها، مخصوصاً در تعاملات اجتماعی به دست او است. امام با استناد به آیه مذکور، در ظاهری خبری اما در مقام انشاء، بیان می‌کند که در اموری که به مؤمن واگذار شده، باید عزتش محفوظ مانده و مخدوش نشود، و هر موردی که مستلزم دلیل شدن باشد، محکوم به حرمت است. ممکن است گفته شود بین حفظ عزت و دلیل شدن، تلازمی نیست؛ همان‌طور که بین وجوب حفظ عزت و حرمت دلیل ساختن نیز تلازمی وجود ندارد. پس استدلال مذکور تنها حرمت اذلال مؤمن را اثبات می‌کند و لزوم رعایت عزت و علو، از آن استفاده نمی‌شود. ولی عرف در روابط اجتماعی، بین حفظ عزت و پرهیز از ذلت، حد وسطی نمی‌بیند؛ بلکه محفوظ نماندن عزت را همان ذلت دانسته و حفاظت از عزت را در گروی پرهیز از اموری می‌داند که مستلزم ذلت و سرشکستگی است. چه بسا تقابل صورت گرفته در کلام امام صادق علیه‌السلام بین عزت مؤمن و ذلت او در روایت مذکور، تأییدی بر ملازمه مذکور نزد عرف باشد. نگاه به برخی مصادیقی که توسط معصومان علیهم‌السلام در جهت حفظ عزت و علو مسلمان در برابر غیر مسلمان تطبیق یافته، موجب می‌شود تا عزت، که مفهومی توقیفی ندارد، در تمام سطوح، با در نظر گرفتن موقعیت زمانی و مکانی، و به صورت نوعی و نه شخصی، مد نظر قرار گیرد. توجه به برخی گزارش‌های حاکی از علت ایستادن پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در برابر تشییع جنازه شخص یهودی، نشان می‌دهد که مسلمان باید در جمیع شئون و حالات، علو و شوکت خود را حفظ کند.

متن گزارش بنابر نقل کلینی چنین است:

۱. ر.ک: بجنوردی، قواعد فقهیه، ج ۱، صص ۳۵۷ و ۳۵۸.

۲. شبیری، کتاب نکاح، ج ۱۲، ص ۴۳۵۹.

۳. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۶۳، ح ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶.

۴. همان، ح ۲.

عن عدة من أصحابنا عن سهل بن زياد عن ابن أبي نجران عن مثنى الحنات عن أبي عبد الله قال: «كَانَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ جَالِسًا فَمَرَّتْ عَلَيْهِ جَنَازَةٌ فَقَامَ النَّاسُ حِينَ طَلَعَتِ الْجَنَازَةَ فَقَالَ الْحُسَيْنُ - مَرَّتْ جَنَازَةٌ يَهُودِيٌّ - وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَى طَرِيقِهَا - فَكَرِهَ أَنْ تَعْلُوَ رَأْسُهُ جَنَازَةٌ يَهُودِيٌّ فَقَامَ لِذَلِكَ»<sup>۱</sup>.

این واقعه با جزئیات بیشتری در نقل حمیری چنین آمده است:

عن الحسن بن ظریف عن الحسين بن علوان عن جعفر عن أبيه «أَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ كَانَ جَالِسًا وَ مَعَهُ أَصْحَابٌ لَهُ - فَمَرَّ بِجَنَازَةٍ فَقَامَ بَعْضُ الْقَوْمِ وَ لَمْ يَقُمْ الْحَسَنُ - فَلَمَّا مَضَوْا بِهَا قَالَ بَعْضُهُمْ - أَلَا قُمْتَ عَافَاكَ اللَّهُ - فَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَقُومُ لِلْجَنَازَةِ - إِذَا مَرُّوا بِهَا عَلَيْهِ فَقَالَ الْحَسَنُ - إِنَّمَا قَامَ رَسُولُ اللَّهِ مَرَّةً وَاحِدَةً - وَ ذَلِكَ أَنَّهُ مَرَّ بِجَنَازَةِ يَهُودِيٍّ - وَ كَانَ الْمَكَانُ ضَيْقًا - فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ وَ كَرِهَ أَنْ تَعْلُوَ رَأْسُهُ»<sup>۲</sup>.

مطابق ظاهر دو گزارش، حسین بن علی علیه السلام بنا بر نقل کلینی، یا حسن بن علی علیه السلام، بنا بر نقل حمیری، در مکانی نشسته بودند و جنازه‌ای از کنار ایشان در قالب تشییع گذرانده شد و برخی با نزدیک شدن جنازه بلند شدند، ولی امام و برخی دیگر به تبعیت از ایشان بلند نشدند. این عملکرد موجب سؤال دیگران شد؛ تا جایی که معتقد بودند عملکرد آنها به رفتار پیامبر مستند است و امام نیز باید به تبعیت از عملکرد پیامبر، در برابر جنازه بلند می‌شد! امام در پاسخ به سؤال و کلام مذکور، تصریح می‌کند که پیامبر تنها یک مرتبه چنین کردند و آن هم به این خاطر بود که مسیر تشییع جنازه شخص یهودی باریک و تنگ بود و پیامبر نمی‌خواست حتی جنازه یهودی از بالای سر مبارک ایشان عبور داده شود. مطابق این گزارش، بلند شدن پیامبر در برابر جنازه یهودی، تنها برای حفظ علو و شوکت بوده است. روشن است که استشهاد

ما اجتهاد  
پژوهش‌های فقهی

مبانی فقهی مشروعیات اجمالی مهدویة تشریفات

۱. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۱۹۲، ح ۲.

۲. حمیری، قرب الأسناد، ص ۴۲؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۱۶۹، ح ۲ و ۳. نظر به تیمنی و تشریفات بودن طریق صاحب وسائل به قرب الإسناد موجود در زمان وی، و شبهه صغروی در استناد نسخه قرب الاسناد موجود در زمان حاضر به حمیری، گزارش از قرب الإسناد حجیت فقهی ندارد؛ ولی علی‌رغم نقل تضعیفات در ترجمه سهل بن زیاد در کتب رجالی (طوسی، الفهرست، ص ۲۲۸، رقم ۳۳۹؛ نجاشی، رجال النجاشی، ص ۱۸۵)، نظر صحیح، مبتنی بر ادله و شواهد بسیار (تفصیل بیشتر بنگرید: مهدوی، سهل بن زیاد در آئینه علم رجال)، اثبات وثاقت او، و حمل تضعیفات، بر معنای خاصی از غلو است؛ بنا بر این گزارش او از اعتبار لازم در مباحث فقهی برخوردار است.

به روایت مذکور، تنها برای بهره‌بری از آن در تعاملات و ارتباطات اجتماعی، مخصوصاً با غیرمسلمانان است که مسلمانان در حفظ علو و شوکت خود باید چه عمومیتی را مد نظر داشته باشند. موضوعیت نداشتن یهودیت در این ماجرا و اختصاص نداشتن حکم حفظ علو و شوکت به پیامبر، با عنایت به اطلاق کلام امام صادق علیه السلام در گزارش ماجرا اثبات می‌شود؛ به این بیان که آن حضرت در مقام نقل ماجرای اتفاق افتاده در دوران امام حسین یا امام حسن علیهما السلام، و اشاره به عملکرد پیامبر، به اختصاص این عمل به پیامبر و یا موضوعیت نداشتن یهودیت در دوران پیامبر اشاره نکردند. با توجه به مقدمات حکمت، این اطلاق، نشان از عدم اختصاص به هر دو قید مذکور دارد.

پس توجه به ضرورت حفظ علو و عزت مؤمن در تعاملات اجتماعی مستلزم آن است که هرگونه عمل و رفتار منافی با آن در فرایند تشریفات، مشروعیت نداشته باشد. به عنوان مثال، علی‌رغم شواهد بسیار از وجود رسم «استقبال» میان مردمان، با نگاهی به گزاره‌های روایی و تاریخی<sup>۱</sup>، یکی از محمل‌های درک و فهم سخنان امیر مؤمنان علیه السلام در جریان استقبال دهقانان<sup>۲</sup> شهر انبار و دویدن به دنبال مرکب ایشان<sup>۳</sup>، توجه به ضرورت حفظ علو و عزت مؤمن در تعاملات اجتماعی است. توضیح آنکه، استقبال کنندگان با حرکاتی سبک سرانه، عزت خود را در برابر حاکمان مخدوش ساخته بودند. «مردم آن دیار، این حرکات را از خود نشان می‌دادند تا از هدیه‌های مالی حاکمان و بزرگان بهره برند»<sup>۴</sup>. «آنها در مقابل حکام خضوع می‌کردند، و قصدشان به دست آوردن دنیا بود و [حضرت] علی علیه السلام به آنها هشدار داد که نباید چنین کنید»<sup>۵</sup>. پس اگر عزت و علو مؤمن در فرایند تشریفات استقبال، مخدوش گردد، فاقد مشروعیت فقهی است؛ و چون مردمان آن دیار برای دریافت هدیه‌های حکام در مسیر استقبال تلاش می‌کردند و این سعی و کوشش به مخدوش ساختن عزت آنان در دریافت هدیه منجر

۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۲۲۷؛ ابن کثیر، البدایة و النهایة، ج ۳، ص ۱۹؛ ابن‌اعثم، الفتح، ج ۲، ص ۴۹۱؛ طوسی، الأمالی، ص ۵۸۹.
۲. دهقان در نظام طبقاتی ایرانی، به طبقه خاصی از مردم، مثل «تاجران» یا «کدخدایان و مالکان روستاها» گفته می‌شد. ر.ک: ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۱۶۳؛ طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۱۶۴.
۳. نهج البلاغة، حکمت ۳۶.
۴. حسینی شیرازی، توضیح نهج البلاغة، ج ۴، ص ۲۷۶.
۵. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۱۸، ص ۱۵۶.

می‌شد، استقبال‌شان با نهی حضرت امیر مواجه گردید. از باب تطبیق جزئی و خوب حفظ عزت، به نمونه‌ای اشاره می‌شود: رهبر انقلاب در جریان سفر به عنوان رئیس جمهور وقت جمهوری اسلامی ایران به کشور لیبی (مورخ ۱۷ شهریور ۱۳۶۳) و «مذاکر با قذافی، در موضوع مقابله با رژیم صهیونیستی و حل قضیه فلسطین»<sup>۱</sup>، نشان داد که برای رعایت عزت و شوکت مؤمن در تعاملات اجتماعی، حاضر به اندک مسامحه‌ای نیست. در لیبی، خیمه‌ای بر پا کرده بودند که ارتفاع در ورودی آن کوتاه بود، و به ناچار هرکس می‌خواست وارد شود، باید خم می‌شد. از طرفی، داخل خیمه، روبروی در، عکس قذافی قرار داشت؛ یعنی هر کس وارد می‌شد ناخواسته در مقابل عکس قذافی سر خم می‌کرد. آقای خامنه‌ای در هنگام ورود، به پشت وارد شد تا در مقابل عکس قذافی سر خم نکند.<sup>۲</sup>

سوم: سیادت تعالیم، آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی بر دیگر ادیان الهی و قوانین بشری، مستلزم علو و شوکت حکومتی است که بر پایه آن بنیان نهاده شده است. بنابر این، بر آحاد ملت مسلمان، مخصوصاً مسئولان و حاکمان، لازم است در تعاملات و روابط بین‌المللی با دولت و ملل دیگر، رفتار و عملکرد خود را در راستای سیادت و اعتلای حکومت اسلامی مدیریت نمایند. اصولاً خدشه در عزت و شوکت حکومت اسلامی در ارتباطات بین‌المللی، به مخدوش شدن سیادت و علو اسلام و آموزه‌های آن، و همین‌طور به مخدوش شدن عزت مؤمنان در تعاملات اجتماعی منجر خواهد شد. پس در انعقاد تفاهم‌نامه‌های طرفینی در مقوله تشریفات، باید به گونه‌ای عمل کرد، که علو و شوکت نظام اسلامی مخدوش نگردد؛ علاوه بر اینکه در عمل به آداب و رسوم رایج تشریقاتی، رفتار و اعمال مکلفان نباید در عزت و عظمت حکومت اسلامی خدشه وارد کند؛ بلکه اجرای قوانین و آداب عرفی در روابط اجتماعی، مخصوصاً روابط دیپلماتیک، باید حاکی از عزت و شوکت نظام اسلامی باشد. بنابر این، التزام و عمل به آداب و رسومی که علو و شوکت حکومت اسلامی را تحت الشعاع قرار دهد، فاقد مشروعیت است. توضیح بیشتر آنکه: در داستان ملاقات فرستادگان بلقیس با حضرت سلیمان، هرچند در نگاه توحیدی، آوردن هدیه و امثال آن نمی‌تواند در نگرش حاکم حکومت توحیدی به

ما اجتهاد  
پژوهش‌های فقهی

مبانی فقهی مشروعیت اجتماعی مقوله تشریفات

۱. روزنامه کیهان، ۱۹ شهریور ۱۳۶۳.

۲. ر.ک: معاونت پژوهش مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، کتاب آب، آینه، آفتاب، ص ۲۵.

مسائل تغییری ایجاد نماید، ولی عملکرد حضرت سلیمان در تعامل با آنان نشان از پاسداشت عزت و شوکت نظام توحیدی در برابر دیگران دارد. او وقتی با اصرار فرستادگان به قبول هدایا و اموال ارسالی از سوی بلقیس مواجه می‌شود، برای اثبات اینکه آنچه نزد او حکومت او است، بسی بالاتر از تصور آنان است، دستور می‌دهد تا توسط یارانش، تخت پادشاهی بلقیس نزد آنان حاضر شود. این عکس العمل، نشان می‌دهد که هرچند عزت و شوکت واقعی در گروی اموال و دارایی و مباحث ظاهری نیست، اما وقتی طرف مقابل عزت و شوکت را در آن می‌بیند، باید به گونه‌ای جلوه داد که نظام توحیدی و اسلامی آن‌را در مرتبه بالاتر داراست؛ تا عزت و منزلت دولت و ملت مسلمان در میان افکار عمومی و عرف بین‌الملل مخدوش نگردد.

بنابر گزارشات حاکی از دستور پیامبر اعظم ﷺ به رمل و اضطباع<sup>۱</sup> در طواف کعبه معظّمه<sup>۲</sup>، هرچند نمایان ظاهر جسم و بدن مسلمان به دیگران در نگاه اول از مظاهر واقعی شکوه و منزلت مسلمانی نیست، بلکه چابکی و قدرت بدنی بالا، یکی از مظاهر عزت و شوکت و فخر جاهلی در میدان نبرد تلقی می‌شد و اعراب جاهلی با تکیه بر آن بر دیگران مباحث می‌کردند؛ اما برای قدرت نمایی در برابر مشرکان قریش و نشان دادن چابکی و دلیری مسلمانان در برابر هرگونه اقدام خصمانه، مورد توجه قرار گرفت؛ پیامبر اعظم ﷺ مطابق درک و فهم عرف آن دوران و در راستای مظاهر عزت و شوکت جاهلی، دستور می‌دهد تا مسلمانان بخشی از ظاهر بدن را بنمایانند، که نشانه قدرت و چابکی فرد است تا مشرکان از فکر اقدام علیه مسلمانان در حیطة حکمرانی خود بر حذر باشند.

پس در تنظیم و مدیریت اجرای قواعد تشریفاتی، باید به گونه‌ای عمل کرد که عزت، شکوه و منزلت نظام اسلامی همواره محفوظ باشد. به دیگر سخن، در عرصه تشریفات، لازم است تا با بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌ها و امکانات موجود، آداب و تشریفات مطرح در عرصه مذاکره و گفتگو از موضع عزت، شوکت و اقتدار نظام اسلامی اجرا گردد؛ حتی مکلفان عرصه تشریفات

۱. اضطباع، برهنه گذاردن شانه راست مُحرم در پوشیدن ردای احرام، و رمل، راه رفتن با شتاب و حرکت دادن کتف‌ها از رکن حجر الاسود تا مقام ابراهیم هنگام طواف کعبه است.  
۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۳، صص ۳۵۱-۳۵۳.

با ظرایف رفتاری خود باید به گونه‌ای عمل کنند که رفتار طرف مقابل در مخدوش ساختن آن شأن و شوکت، خنثی گردد. از باب تطبیق: سفیر ایران در رومانی که به مراسم شام رسمی در سفارتخانه مغولستان دعوت می‌شود، بر سر میز، متوجه می‌شود که سفیر شوروی (سابق) که از نظر تقدم، بعد از او می‌بایست نشسته باشد، مقدم بر او جای داده شده است. او ابتکاری به خرج می‌دهد و هنگام نشستن بر سر میز شام، در حالی که همه میهمانان لباس رسمی بر تن داشتند، کت خود را بیرون آورده و یقه خود را باز می‌نماید و با صدای بلند می‌گوید: «چون میهمانی، رسمی نیست و هوا گرم است، بهتر است راحت‌تر بنشینیم»<sup>۱</sup>. او با هوشیاری، تبعات تقدم سفیر شوروی بر خود را، که به نوعی زیر سؤال بردن شأن و شوکت اسلامی در عرف دیپلماتیک بود، خنثی و دفع می‌کند و این‌چنین، ضیافت را از حالت رسمی و دیپلماتیک، خارج می‌کند.

لزوم رعایت تناسب سطوح مذاکره کنندگان در «نشست‌ها»، مثلاً، نحوه ورود و خروج مذاکره کنندگان، چگونگی نشستن در برابر یکدیگر، نحوه سخن گفتن با هم، و موارد دیگر در تشریفات مربوط به مذاکرات، باید متناسب با شأن و منزلت نظام اسلامی اجرا گردد. به عنوان مثال، نماینده نظام اسلامی باید از جهت مقام و منصب، در حد و شأن طرف دیگر مذاکره کننده باشد؛ چه اینکه عدم رعایت آن، از منظر عرف دیپلماتیک، موجب مخدوش شدن شأن و منزلت نظام اسلامی است. همچنین ممکن است طرف مقابل به محض نشستن در محل تعیین شده در فرایند، به گونه‌ای بنشیند که زیر زانوی یک پا، روی زانوی دیگر قرارگیرد و بیشتر هم به حالتی این کار انجام می‌شود که کف کفش رو به طرف مقابل باشد. اگر با در نظر گرفتن قرائن و حالات دیگر بدن، این رفتار در عرف تشریفات، نوعی اهانت به طرف مسلمان تلقی گردد، مطابق بایسته «وجوب حفظ عزت و علو اسلامی»، مستحق اقدام متقابل است. در این شرایط، در اقدامی متقابل، باید به گونه‌ای پا روی پا قرار گیرد که جهت آن به سمت طرف مقابل باشد تا عرفاً، تساوی صدق کند؛ و اگر غیر از این باشد و پا در اقدام متقابل با پای طرف مقابل در یک سمت و جهت باشد، این تساوی نبوده، و چون عکس العمل در برابر اهانت طرف مقابل به مراتب ضعیف‌تر از عمل طرف مقابل است، ممکن است نقض سیادت و شوکت اسلامی در دو

## مباحثات

پژوهش‌های فقهی و شرعی در زمینه تشریفات

۱. ذوالعین، آداب و تشریفات دیپلماتیک، ص ۲۰۰.

۲. بیدار مغز، راهبرد تشریفات در مدیریت ارتباطات، صص ۲۰۲ و ۲۰۹ و ۲۱۰.

محور دوم و سوم تلقی گردد. البته این تطبیق در جایی است که پا روی پا انداختن در عرف، ناپسند تلقی گردد. علاوه بر اینکه اقدام متقابل باید با ظرافت و در فرصت مناسب به نمایش درآید تا به خصومت و دشمنی منجر نشود.

### جمع بندی و نتیجه گیری

مشروعیت عمل به مقوله تشریفات در عرصه تعاملات و ارتباطات بین المللی، بدون در نظر گرفتن انواع، ابعاد و قیود مختلف آن، در منظر معتقدان به حسن و قبح عقلی، اجمالاً با سه تقریر، اثبات می شود. علاوه بر اینکه سیره و روش عقلای عالم، منهای عقل و دیانت، بر این بوده و هست که با آداب و رسوم خاص، در عرصه بین ملت ها با یکدیگر تعامل داشته و دارند. اصل این سیره، نه تنها ردع نشده، بلکه مطالعه برخی آموزه های قرآنی و روایی، نشان می دهد که این حکم عقل و سیره مذکور، فی الجمله مورد امضای شارع قرار گرفته است.

و جوب رعایت سیادت، علو و شوکت اسلامی، بایسته ای است که در سه محور «تقدم تعالیم و آموزه های اسلامی در تمام شئون بر قواعد عرفی و مجعول بشری ناشی از قرارداد اجتماعی در مقوله تشریفات»، و «علو و عزت مؤمن به صورت همه جانبه، با عنایت به شرایط زمان و مکان و به صورت نوعی»، و «شوکت و علو حکومت اسلامی» باید در تنظیم پروتکل تشریفاتی حکومت اسلامی و مدیریت رفتار و عملکرد مکلفان عرصه تشریفات، در انعقاد تفاهم نامه های طرفینی و عمل به آداب و رسوم رایج و معمول در مقوله تشریفات مورد توجه قرار گیرد.

### منابع و مآخذ

\* قرآن کریم. \* صحیفه سجاده.

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، چ ۱، ۱۳۴۱ ش.
۲. ابن اعثم، احمد، الفتوح، بیروت: دارالأضواء، چ ۱، ۱۴۱۱ ق.
۳. ابن حجر عسقلانی، احمد، الإصابة في تمييز الصحابة، بیروت: دارالکتب العلمیه، چ ۱، ۱۴۱۵ ق.
۴. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، طائف: مکتبه الصدیق، چ ۱، ۱۴۱۴ ق.
۵. ابن سید الناس، محمد، عیون الأثر، بیروت: دار القلم، چ ۱، ۱۴۱۴ ق.
۶. ابن کثیر، اسماعیل، البدایة و النهایة، بیروت: دار الفکر، چ ۱، ۱۴۰۷ ق.
۷. ابن منظور، محمد، لسان العرب، بیروت: دار الإحیاء التراث العربی، چ ۱، ۱۴۰۸ ق.



۸. ابن هشام، محمد، السيرة النبوية ﷺ، بيروت: دار الإحياء التراث العربي، ج ۱، [بی تا].
۹. ابوالوفاء، احمد، قانون الدبلوماسية الإسلامية، قاهره: دار النهضة العربية، ج ۱، ۱۹۹۲ م.
۱۰. انصاریان، حسین، معاشرت، قم: دارالعرفان، ج ۱، ۱۳۸۸ ش.
۱۱. ایله‌ای، احمد، صمدی‌راد، برات‌الله، اصول و آداب تشریفات، تهران: کارگزار روابط عمومی، ج ۴، ۱۳۹۰ ش.
۱۲. بجنوردی، حسن، قواعد فقهیه، قم: نشر الهادی، ج ۱، ۱۴۱۹ ق.
۱۳. بیدار مغز، علی محمد، ارتباطات غیر کلامی، تهران: کارگزار روابط عمومی، ج ۲، ۱۳۹۴ ش.
۱۴. \_\_\_\_\_، تشریفات؛ راهبرد موفقیت، تهران: انتشارات مرسل، ج ۲، ۱۳۹۱ ش.
۱۵. \_\_\_\_\_، راهبرد تشریفات در مدیریت ارتباطات، تهران: انتشارات مرسل، ج ۳، ۱۳۹۶ ش.
۱۶. بیهقی، ابوبکر، تاریخ بیهقی، تهران: نشر فروغ، ج ۱، ۱۳۶۱ ش.
۱۷. \_\_\_\_\_، دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشريعة، بيروت: دارالکتب العلمیة، ج ۱، ۱۴۰۵ ق.
۱۸. پایگاه خبری اقتصاد سرآمد؛ ۴/ اردیبهشت/ ۱۳۹۳، [eghtesadsaramadonline.ir](http://eghtesadsaramadonline.ir).
۱۹. حر عاملی، محمد، آداب معاشرت از دیدگاه معصومان علیهم‌السلام، ترجمه فارابی، مشهد: آستان قدس، ج ۱، ۱۳۸۰ ش.
۲۰. \_\_\_\_\_، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام، ج ۱، ۱۴۰۹ ق.
۲۱. حسینی شیرازی، محمد، توضیح نهج البلاغة، تهران: دلیل ما، ج ۱، ۱۳۹۵ ش.
۲۲. حمید الله، محمد، سلوک بین المللی دولت اسلامی، ترجمه محقق داماد، تهران: علوم اسلامی، ج ۲، ۱۳۸۳ ش.
۲۳. حمیری، عبد الله بن جعفر، قرب الإسناد، قم: مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام، ج ۱، ۱۴۱۳ ق.
۲۴. خویی، ابوالقاسم، أجدود التقریرات، قم: انتشارات صاحب الزمان علیه‌السلام، ج ۱، ۱۳۷۷ ش.
۲۵. خلیل حسین، المراسم و التشریفات الدبلوماسية، [بی جا]: منشورات الحلبي الحقوقية، ج ۱، ۲۰۱۱ م.
۲۶. درگاهی، مهدی، «مبانی فقهی عزت، حکم و مصلحت در تعاملات بین المللی دولت اسلامی»، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۹۶، ۱۳۹۹ ش، صص ۱۲۰-۱۰۱.
۲۷. \_\_\_\_\_، «حکم مصافحه با اجنبیه غیر مسلمان در عرصه تشریفات بین المللی»، فصلنامه فقه، شماره ۱۰۳، ۱۳۹۹ ش، صص ۱۳۴-۱۱۵.
۲۸. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱، ۱۳۵۲ ش.
۲۹. ذوالعین، پرویز، آداب و تشریفات دیپلماتیک، تهران: نشر میزان، ج ۳، ۱۳۹۳ ش.
۳۰. زبیدی، محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر، ج ۱، ۱۴۱۴ ق.
۳۱. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۱، [بی تا].
۳۲. شبیری زنجانی، موسی، کتاب نکاح، قم: رای پرداز، ج ۱، ۱۴۱۹ ق.
۳۳. صراط نیوز، ۲/ آذر/ ۱۳۹۴، [akharinkhabar.ir](http://akharinkhabar.ir).
۳۴. صدوق، محمد، الخصال، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱، ۱۳۶۲ ش.

۳۵. \_\_\_\_\_، کتاب من لا یحضره الفقیه، قم: انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۱۳ق.
۳۶. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۱۷ق.
۳۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی، چ ۲، [بی تا].
۳۸. طریحی، احمد حسین، مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چ ۳، ۱۴۱۶ق.
۳۹. طوسی، محمد، الأمالی، قم: انتشارات دار الثقافة، چ ۱، ۱۴۱۴ق.
۴۰. \_\_\_\_\_، التبیان فی تفسیر القرآن الکریم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چ ۱، [بی تا].
۴۱. \_\_\_\_\_، الفهرست، نجف اشرف، المكتبة المرتضویة، چ ۱، [بی تا].
۴۲. عجاج کریمی، احمد، الإدارة فی عصر الرسول ﷺ، [بی جا]: [بی تا]، ۱۴۲۸ق.
۴۳. علیدوست، ابوالقاسم، فقه و مصلحت، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۱، ۱۳۸۸ش.
۴۴. علامه حلی، حسن، خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال، مشهد: نشر آستان قدس، چ ۱، ۱۳۸۱ش.
۴۵. فضل بن شاذان، الإيضاح، تحقیق جلال الدین حسینی، تهران: دانشگاه تهران، چ ۱، [بی تا].
۴۶. فیض الاسلام، علی نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغة، اصفهان: چاپخانه سپهر، چ ۱، [بی تا].
۴۷. قائمی، علی، اخلاق و معاشرت در اسلام، تهران: نشر امیری، چ ۱، ۱۳۶۴ش.
۴۸. کتانی، محمد، نظام الحكومة النبویة، بیروت: شركة دار الأرقم بن ابی الأرقم، چ ۱، [بی تا].
۴۹. کلینی، محمد، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چ ۱، ۱۴۰۷ش.
۵۰. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، حقوق معاهدات بین المللی، تهران: انتشارات سمت، چ ۶، ۱۳۸۸ش.
۵۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چ ۲، ۱۴۰۳ق.
۵۲. معاونت پژوهش مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، کتاب آب، آیین، آفتاب: ابعاد شخصیتی مقام معظم رهبری در آئینه خاطرات، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ ۹، ۱۳۸۳ش.
۵۳. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چ ۱، ۱۳۵۳ش.
۵۴. مقدس نیا، محمد، آداب معاشرت، قم: نشر افق فردا، چ ۱، ۱۳۷۹ش.
۵۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم: دار الکتب الإسلامیة، چ ۱، ۱۳۷۱ش.
۵۶. ملک افضلی، محسن، «سنجدهای تشخیص مصلحت نظام از منظر فقه سیاسی اسلام»، دو فصلنامه مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق، سال ۱۰، شماره ۳۳، ۱۳۹۵ش، صص ۲-۵.
۵۷. مهدوی، حسن، سهل بن زیاد در آئینه علم رجال، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام)، چ ۱، ۱۳۹۳ش.
۵۸. ورام بن ابی فراس، حسین، مجموعه ورام (تنبیه الخواطر)، تهران: نشر رایحه، چ ۱، ۱۳۷۸ش.
۵۹. نجاشی، احمد، رجال النجاشی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، [بی تا].
۶۰. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چ ۷، ۱۴۰۴ق.
۶۱. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، چ ۱، ۱۴۰۷ق.